

مقدمه مؤلف

«هذا مِن فَضْلِ رَبِّي»

«این از لطف پروردگارم است.»

خدا رو شاکریم که بازم به ما فرصت داد که بتونیم تو مسیر معلّمی و یاددادن، یه قدم دیگه برداریم و حالا این کتاب نتیجه تلاش شبانه‌روزی ما و همکارامون تو خیلی‌سوزه که به همشون خسته نباشید می‌گیم. همه معلّم‌ها درس خودشونو درس شیرینی می‌دونن، حالا شما هم می‌دونین، ما هم می‌دونیم که عربی خیلی خیییلی شیرینه!!! تا حدی که ممکنه شیرینیش دل بعضیا رو بزنه. خُب ما این کتابو نوشتیم که دقیقاً همین مشکلو حل کنه. امیدوارم وقتی کتابو می‌خونین، بگین: «آهان! حالا گرفتم چی شد.» به هر حال، منتظر نظراتون می‌مونیم، حتماً بهمون بگین. حالا بریم ببینیم تو این کتاب چه خبره!

ازتون ممنونیم

گودرز سروی، سید محمدعلی جنانی، علی جعفری ندوشن

محتوای کتاب در یک نگاه:

- توضیح دقیق قواعد هر درس به زبانی ساده به همراه مثال
- ترجمه کلمه به کلمه متن درس به همراه ترجمه روان
- بررسی کاربرد قواعد و نکات قابل توجه متن درس به صورت نوار عمودی در کنار ترجمه متن درس
- ارائه واژه‌نامه و لغات متضاد، مترادف و جمع مکسر
- ارائه واژه‌نامه جامع هر درس در انتهای کتاب
- ترجمه تمام جملات عربی کتاب درسی
- پاسخ تشریحی تمرین‌ها و خودآزمایی‌ها (اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ)
- ترجمه گفت‌وگو (جوار)
- مهم‌ترین سؤالات امتحانی تألیفی به همراه سؤالاتی منتخب از مدارس برتر کشور به همراه پاسخ هر درس
- نمونه‌سؤالات پایانی (ترم اول و دوم)

فهرست

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

- قواعد: مرور قواعد عربی هفتم، هشتم و نهم
واژگان
ترجمه درس: ذَاكَ هُوَ اللَّهُ
تمارين درس اول
سؤالهای امتحانی
پاسخ سؤالهای امتحانی



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

- قواعد: الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَ الْجُمْلَةُ الْإِسْمِيَّةُ
واژگان
ترجمه درس: ﴿ هَذَا خَلَقَ اللَّهُ ﴾
تمارين درس پنجم
سؤالهای امتحانی
پاسخ سؤالهای امتحانی



الدَّرْسُ الثَّانِي

- قواعد: الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ
واژگان
ترجمه درس: الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ
تمارين درس دوم
سؤالهای امتحانی
پاسخ سؤالهای امتحانی



الدَّرْسُ السَّادِسُ

- قواعد: الْفِعْلُ الْمَجْهُوولُ
واژگان
ترجمه درس: ذَوَا الْقَرْنَيْنِ
تمارين درس ششم
سؤالهای امتحانی
پاسخ سؤالهای امتحانی



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

- قواعد: أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (١)
واژگان
ترجمه درس: مَطَرُ السَّمَكِ
تمارين درس سوم
سؤالهای امتحانی
پاسخ سؤالهای امتحانی



الدَّرْسُ السَّابِعُ

- قواعد: الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ وَ نَوْنُ الْوِاقِيَةِ
واژگان
ترجمه درس: يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ
تمارين درس هفتم
سؤالهای امتحانی
پاسخ سؤالهای امتحانی



الدَّرْسُ الرَّابِعُ

- قواعد: أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (٢)
واژگان
ترجمه درس: التَّعَايِشُ السَّلْمِيُّ
تمارين درس چهارم
سؤالهای امتحانی
پاسخ سؤالهای امتحانی



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

- قواعد: إِسْمُ الْفَاعِلِ وَ إِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ إِسْمُ الْمُبَالَغَةِ
واژگان
ترجمه درس: صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارْسِيِّ
تمارين درس هشتم
سؤالهای امتحانی
پاسخ سؤالهای امتحانی



١٦٣

مشاوره شب امتحان

١٤٧

جدول لغات

١٤٤

خلاصه درسها

شماره صفحه امتحان	شماره صفحه پاسخ
١٦٤	١٧٦
١٦٦	١٧٦
١٦٨	١٧٧
١٧٠	١٧٨
١٧٢	١٧٩
١٧٤	١٨٠

امتحان شماره (١):	فونه امتحان نیم سال اول
امتحان شماره (٢):	فونه امتحان نیم سال اول
امتحان شماره (٣):	فونه امتحان نیم سال دوم
امتحان شماره (٤):	فونه امتحان نیم سال دوم
امتحان شماره (٥):	فونه امتحان نیم سال دوم
امتحان شماره (٦):	فونه امتحان نیم سال دوم



آموزش قواعد و مفاهیم درس

انواع فعل

مقدمه

در عربی ریشه فعل‌ها معمولاً «سه حرف» دارد، به همین دلیل به آن‌ها «ثلاثی» گفته می‌شود. (ثلاثی یعنی «سه حرفی»)

نام گذاری حروف ریشه	«فَاءُ الْفِعْلِ» (حرف اول ریشه)	«عَيْنُ الْفِعْلِ» (حرف دوم ریشه)	«لَامُ الْفِعْلِ» (حرف سوم ریشه)
كَتَبَ ←	ك	ت	ب
خَرَجَ ←	خ	ر	ج
غَفَرَ ←	غ	ف	ر

بیشتر فعل‌های ماضی که در سال‌های گذشته یاد گرفتیم، در سوم شخص مفردشان به همان صورت خالص (سه حرفی) به کار رفته بودند؛ مانند: «رَجَعَ، شَغَلَ، فَتَحَ، خَرَجَ»؛ این فعل‌ها همگی فعل ماضی و سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب) هستند. در این درس با شکل جدیدی از فعل‌ها آشنا می‌شویم که در سوم شخص مفردشان علاوه بر سه حرف اصلی، حرف یا حروف زائدی نیز دارند؛ از این جهت فعل‌ها در عربی به دو گروه تقسیم می‌شوند:

← **گروه اول:** فعل‌هایی که در شکل سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب) ماضی خود فقط سه حرف دارند (خالص و بدون حرف زائد)، به این نوع فعل‌ها اصطلاحاً «فعل ثلاثی مجرد» گفته می‌شود؛ مانند: «رَجَعَ، شَغَلَ، فَتَحَ، خَرَجَ»

انواع فعل از نظر ساختار

← **گروه دوم:** فعل‌هایی که در شکل سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب) ماضی خود بیش از سه حرف دارند (ریشه به همراه حرف یا حروف زائد)، به این نوع فعل‌ها اصطلاحاً «فعل ثلاثی مزید» گفته می‌شود؛ مانند: «اسْتَرْجَعَ، اسْتَشْغَلَ، انْفَتَحَ، تَخَرَّجَ»

احتمالاً حالا می‌خواهید بدانید که این حروف زائد از کجا آمده‌اند و چگونه به کار می‌روند؟

این حروف زائد از «باب‌های مزید» آمده‌اند.

«باب» در اینجا به معنای «قالب» است که در هر باب، فعل‌ها (ماضی، مضارع و امر) بر وزن ثابت و مخصوصی به کار می‌روند، به همین دلیل نام باب‌ها و وزن فعل‌های آن را باید حفظ کنید.

در عربی، هشت باب داریم. هر باب نامی دارد که نام هر باب، همان مصدر آن باب است. در هر باب، چهار کلمه داریم؛ شامل: یک نمونه «فعل ماضی» و یک «فعل مضارع» هر دو از سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب)، یک «فعل امر» از دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب) و یک «مصدر» که مخصوص به همان باب است. در این درس با چهار باب و در درس بعدی نیز با چهار باب دیگر آشنا می‌شویم. (لطفاً جدول زیر را حفظ کنید.)

باب‌های مزید

نام باب	ماضی	مضارع	امر	مصدر
باب «استفعال»	إِسْتَفْعَلْ	يَسْتَفْعِلُ	إِسْتَفْعِلْ	إِسْتِفْعَال
مثال: عَفَرَ	إِسْتَعْفَرَ	يَسْتَعْفِرُ	إِسْتَعْفِرْ	إِسْتِغْفَار
باب «افتعال»	إِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	إِفْتَعِلْ	إِفْتِعَال
مثال: مَنَعَ	إِمْتَنَعَ	يَمْتَنِعُ	إِمْتَنِعْ	إِمْتِنَاع
باب «انفعال»	إِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	إِنْفَعِلْ	إِنْفِعَال
مثال: قَطَعَ	إِنْقَطَعَ	يَنْقَطِعُ	إِنْقَطِعْ	إِنْقِطَاع
باب «تفعّل»	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل
مثال: عَلِمَ	تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ	تَعَلَّمْ	تَعَلُّم

مقایسه

حالا می‌خواهیم مقایسه کنیم که همین مثال‌هایی که در جدول قبل (باب‌های مزید) دیدیم، در حالت مجزّد (ثلاثی مجزّد)، ماضی، مضارع و امرشان چه شکلی دارد؟!

ماضی	مضارع	امر
سوم شخص مفرد (مذکر)	سوم شخص مفرد (مذکر)	دوم شخص مفرد (مذکر)
عَفَرَ	يَعْفِرُ	إَعْفِرْ
مَنَعَ	يَمْنَعُ	إِمْنَعْ
قَطَعَ	يَقْطَعُ	إِقْطَعْ
عَلِمَ	يَعْلَمُ	إِعْلَمْ

نتیجه

هر فعلی که به [وزن‌های مخصوص] یکی از باب‌ها رفته باشد، از گروه دوم یعنی «ثلاثی مزید» محسوب می‌شود و هر فعلی که به هیچ بابی نرفته باشد، از گروه اول یعنی «ثلاثی مجزّد» محسوب می‌شود.

تکرار و تمرین

از کجا می‌توان فهمید که فعلی به باب رفته یا نرفته؟

با حفظ کردن جدول باب‌ها در این درس و درس بعدی و با تشخیص «وزن فعل» می‌توان تشخیص داد که آن فعل به یکی از باب‌ها رفته یا نرفته است.

مثال

يَكْتَسِبُ ← فعل مضارع بر وزن «يَفْعُلُ»؛ به هیچ بابی نرفته، زیرا در هیچ‌یک از باب‌ها، مضارعی بر این وزن نداریم، پس «ثلاثی مجزّد» است.
يَكْتَسِبُ ← فعل مضارع بر وزن «يَفْتَعِلُ»؛ که مربوط به باب «افتعال» است، پس «ثلاثی مزید» می‌باشد.
حالا به چند فعل دیگر نیز توجه کنید:

خَرَجُوا ← ماضی ثلاثی مجزّد بر وزن فَعَلُوا (فَعَلَ)
يَعْقِدُ ← مضارع ثلاثی مجزّد بر وزن يَفْعُلُ
يَعْرِفُونَ ← مضارع ثلاثی مجزّد بر وزن يَفْعِلُونَ (يَفْعِلُ)
إِسْتَخْرَجُوا ← ماضی ثلاثی مزید بر وزن «إِسْتَفْعَلُوا» از باب استفعال
يَنْعِقُدُ ← مضارع ثلاثی مزید بر وزن «يَنْفَعِلُ» از باب انفعال
يَتَعَرَّفُونَ ← مضارع ثلاثی مزید بر وزن «يَتَفَعَّلُونَ» از باب تفعّل

تکرار

فعل‌های ثلاثی مزیدی که در باب‌ها دیدیم، دقیقاً مانند فعل‌های ثلاثی مجزّد در صیغه‌های مختلف صرف می‌شوند؛ مانند:

ماضی «إِسْتَعْفَرَ» ← أَنَا إِسْتَعْفَرْتُ / أَنْتَ إِسْتَعْفَرْتَ - هُوَ إِسْتَعْفَرَ / هِيَ إِسْتَعْفَرَتْ / نَحْنُ إِسْتَعْفَرْنَا / أَنْتُمْ إِسْتَعْفَرْتُمْ - أُنْتُنَّ إِسْتَعْفَرْتُنَّ - أَنْتُمْ إِسْتَعْفَرْتُمْ / هُمْ إِسْتَعْفَرُوا - هُنَّ إِسْتَعْفَرْنَ - هُمَا إِسْتَعْفَرَا
مضارع «يَسْتَعْفِرُ» ← أَنَا أَسْتَعْفِرُ / أَنْتَ تَسْتَعْفِرُ - هُوَ يَسْتَعْفِرُ - هِيَ تَسْتَعْفِرُ / نَحْنُ نَسْتَعْفِرُ / أَنْتُمْ تَسْتَعْفِرُونَ - أُنْتُنَّ تَسْتَعْفِرْنَ - أَنْتُمْ تَسْتَعْفِرُونَ / هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ - هُنَّ يَسْتَعْفِرْنَ - هُمَا يَسْتَعْفِرَانِ
امر «إِسْتَعْفِرْ» ← أَنْتَ إِسْتَعْفِرْ - أَنْتِ إِسْتَعْفِرِي / أَنْتُمْ إِسْتَعْفِرُوا - أُنْتُنَّ إِسْتَعْفِرْنَ - أَنْتُمْ إِسْتَعْفِرُوا

نکته در باب‌های مزید، «عين الفعل» ماضی همه باب‌ها همواره فتحه (ـَ) دارد و «عين الفعل» مضارع و امر آن‌ها همواره كسره (ـِ) دارد، مگر این‌که فعل ماضی با حرف «ت» شروع شده باشد که در این صورت، عين الفعل مضارع و امر آن باب نیز همواره فتحه (ـَ) دارد. (این نکته در چهار باب درس بعد نیز صادق است.)

عَيْنَ بَابِ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَمِلُ حَطًّا. (باب فعل‌هایی را که زیرشان خط کشیده شده، مشخص کن.)

۱- نَحْنُ نَحْتَفِلُ بِالنُّورِ كُلَّ سَنَةٍ. (انفعال - اِفتعال - اِسْتِفعال): (ما هر سال نوروز را جشن می‌گیریم.)

پ اِفتعال [«نَحْتَفِلُ»] بر وزن «نَفَعِلُ» فعل مضارع از صیغه «متکلم مع‌الغیر» از باب «اِفتعال» است و ریشه آن «ح - ف - ل» می‌باشد.

۲- جَاءَ فَصْلُ الرَّبِيعِ وَانْفَتَحَتِ الْأَزْهَارُ الْجَمِيلَةُ. (اِفتعال - اِسْتِفعال - اِنْفِعال): (فصل بهار آمد و شکوفه‌های زیبا باز شدند.)

پ اِنْفِعال [«انْفَتَحَتُ»] بر وزن «انْفَعَلْتُ» فعل ماضی از صیغه «مفرد مؤنث غایب» از باب «اِنْفِعال» است و ریشه آن «ف - ت - ح» می‌باشد.

۳- اِسْتَرَجَعْتُ كِتَابَ التَّارِيخِ مِنْ زَمِيلِي. (اِفتعال - اِسْتِفعال - اِنْفِعال): (کتاب تاریخ را از هم‌شاگردی‌ام (هم‌کلاسی‌ام) پس گرفتم.)

پ اِسْتِفعال [«اِسْتَرَجَعْتُ»] بر وزن «اِسْتَفَعَلْتُ» فعل ماضی از صیغه «متکلم وحده» از باب «اِسْتِفعال» است و ریشه آن «ر - ج - ع» می‌باشد.

۴- سَيَتَحَدَّثُ صَدِيقِي مَعَ مُعَلِّمِنَا حَوْلَ مَسَاجِدِهِ. (اِفتعال - اِسْتِفعال - تَفَعَّلُ): (دوستم با معلممان پیرامون مشکلاتش صحبت خواهد کرد.)

پ تَفَعَّلُ [«سَيَتَحَدَّثُ»] بر وزن «سَيَتَفَعَّلُ» فعل مستقبل (س + مضارع) از صیغه «مفرد مذکر غایب» از باب «تَفَعَّلُ» است و ریشه آن «ح - ت» می‌باشد.

د - ت» می‌باشد.

بهبتر یاد بگیریم

اگر به صیغه‌های فعل اِسْتَعْفَرَ که در صفحات قبل صرف کردیم مراجعه کنید، نکته‌ای را کشف می‌کنید؛ و آن «شباهت» برخی صیغه‌ها در «ماضی» و «امر» بعضی باب‌ها است.

شباهت «ماضی» و «امر» در باب‌ها: در میان فعل‌های صرف‌شده از فعل «اِسْتَعْفَرَ» و «اِسْتَعْفِرَ»، به ماضی «اِسْتَعْفَرُوا» (هم) و امر «اِسْتَعْفِرُوا» (أنتم) توجه کنید، اگرچه این دو فعل ظاهراً شبیه هم هستند، ولی حرکت عین‌الفعل (حرف دوم ریشه) آن‌ها با یکدیگر تفاوت دارد که در ماضی فتحه (ت) دارد، ولی در امر، کسره (ب) دارد.

ب به نظر شما «اِسْتِلام» از کدام باب است یا بر چه وزنی است؟

بر وزن اِفتعال است و از همین باب، یعنی از باب «اِفتعال» است (نه اِسْتِفعال).

نکته: مراقب باشید! تعداد کمی از کلمات مانند «اِسْتِلام، اِسْتِماع، اِسْتِراق و...» ظاهراً شبیه وزن و باب اِسْتِفعال هستند، ولی این طور نیست، بلکه از باب «اِفتعال» می‌باشند و علت شباهت آن‌ها به «اِسْتِفعال» این است که اولین حرف ریشه آن‌ها «س» است (سَلِمَ - سَمِعَ - سَرَقَ) (اِسْتَلَمَ / يَسْتَلِمُ / اِسْتَلِمَ - اِسْتَمَعَ / يَسْتَمِعُ / اِسْتَمِعَ - اِسْتَرَقَ / يَسْتَرِقُ / اِسْتَرَقَ - اِسْتَرَقَ / يَسْتَرِقُ / اِسْتَرَقَ)

البته یک راه حل ساده‌تر و مطمئن‌تر نیز وجود دارد و آن این است که بدانیم وزن «اِفتعال» ۶حرفی است، ولی وزن «اِسْتِفعال» ۷حرفی می‌باشد.

حالا یک سؤال مهم!

فایده باب‌ها چیست یا راحت‌تر بگوییم چرا فعل‌ها به باب برده می‌شوند (هدف از مزید کردن فعل‌ها چیست)؟

با استفاده از باب‌ها معانی جدیدی را به دست می‌آوریم، زیرا هر بابی معنای خاصی به فعل می‌دهد، یعنی هر فعل تا زمانی که مجرد است یک معنا دارد و زمانی که به یکی از باب‌ها می‌رود معنای جدید و متفاوتی را بیان می‌کند که در ادامه هر یک را بررسی می‌کنیم:

معانی باب‌ها

باب «اِسْتِفعال»: این باب معمولاً «طلب و درخواست» را بیان می‌کند؛ مانند:

اِسْتَعْفَرَ: «آمزش خواست» ولی مجرد آن (عَفَرَ) به معنای «آموزید» است.

اِسْتَرْجَعَ: «پس گرفت» («برگشتن» را درخواست کرد)، ولی مجرد آن (رَجَعَ) به معنای «بازگشت» است.

باب‌های «اِنْفِعال» و «اِفتعال» و «تَفَعَّلُ»: این سه باب معمولاً معنای «اثرپذیری» را بیان می‌کنند به این صورت که معمولاً نیاز به مفعول ندارند؛ مانند:

اِنْفِعال: قَطَعَ: برید، قطع کرد، بُرِدَ: اِنْقَطَعَ (اثر بریدن را به خود گرفت) یعنی ← قطع شد

اِفتعال: مَنَعَ: منع کرد، اِمْتَنَعَ (اثر منع کردن را به خود گرفت) یعنی ← خودداری کرد

تَفَعَّلُ: عَيَّرَ: تغییر داد، تَغَيَّرَ (اثر تغییر دادن را به خود گرفت) یعنی ← تغییر کرد

بنابراین اکثر فعل‌هایی که به یکی از این سه باب می‌روند لازم (ناگذرا) می‌شوند، یعنی به مفعول نیاز ندارند.

البته معنای گفته‌شده در این درس و درس بعدی، همیشگی و ثابت نیست، بلکه می‌گوییم گاهی و یا معمولاً این طور است؛ بنابراین در برخی از موارد معنای فعل‌های مزید خارج از این نکته‌ها است.

مانند: سَلِمَ: سالم ماند، مزید از باب اِفتعال ← اِسْتَلَمَ: دریافت کرد (گذرا به مفعول)

□ برای فهم و درک بهتر فعل‌های ثلاثی مجرد و مزید، به فعل‌ها و ترجمه درست آن‌ها در تمرین زیر توجه کنید:

ترجمه درست را مشخص کن:

- ۱- عَفَرَ: الف) آمرزید ب) آمرزش خواست ۷- رَجَع: الف) برگشت ب) پس گرفت
 ۲- اِسْتَعْفَرَ: الف) آمرزید ب) آمرزش خواست ۸- اِسْتَرْجَعَ: الف) برگشت ب) پس گرفت
 ۳- عَذَرَ: الف) عذر پذیرفت ب) عذر خواست ۹- فَتَحَ: الف) باز کرد ب) باز شد
 ۴- اِعْتَذَرَ: الف) عذر پذیرفت ب) عذر خواست ۱۰- اِنْفَتَحَ: الف) باز کرد ب) باز شد
 ۵- قَطَعَ: الف) قطع کرد ب) قطع شد ۱۱- عَلِمَ: الف) دانست ب) یاد گرفت
 ۶- اِنْقَطَعَ: الف) قطع کرد ب) قطع شد ۱۲- تَعَلَّمَ: الف) دانست ب) یاد گرفت

نکته‌های ویژه باب‌های «عَل» دار: در این درس و درس بعدی به دو باب «تَفَعَّل» و «تَفَاعَلَ» که مصدرشان به «عَل» ختم شده است، باب‌های «عَل» دار می‌گوییم. حواستان به این دو باب باشد، زیرا نکات خاصی دارند که در سایر باب‌ها وجود ندارد.

□ در جدول باب تَفَعَّل شباهت تقریبی در «ماضی»، «امر» و «مصدر» وجود دارد. (تَفَعَّل - تَفَعَّل - تَفَعَّل)

در این سه مورد حرکت عین‌الفعل بسیار مهم است:

هرگاه حرکت عین‌الفعل ضمه (ـَ) باشد، حتماً مصدر است؛ مانند: تَكَلَّمَ، تَكَبَّرَ، تَحَمَّلَ و ...

ولی اگر فتحه (ـِ) باشد و انتهای فعل ساکن، در این صورت امر است؛ مانند: تَكَلَّمْ، تَكَبَّرْ، تَحَمَّلْ و ...

و اگر انتهایش متحرک (مفتوح ـَ) باشد، ماضی است؛ مانند: تَكَلَّمْتُ، تَكَبَّرْتُ، تَحَمَّلْتُ و ...

حالا می‌توانید تفاوت «تَعَلَّمَ / تَعَلَّمْ / تَعَلَّمْ» را تشخیص دهید (اولی: مصدر / دومی: امر / سومی: ماضی) مانند تمرین هفتم: «تَعَرَّفُ / تَعَرَّفْ / تَعَرَّفَ»

□ در باب‌های «عَل» دار فعل ماضی با حرف زائد «ت» شروع می‌شود؛ مراقب باشید که آن را با فعل مضارع اشتباه نگیرید.

اختیار نفسک (خود را بیازمای)

□ تَرَجِّمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ (فعل‌های زیر را ترجمه کن):

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	اِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	اِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن (باب اِسْتِفْعَال)
اِعْتَذَرَ: پوزش خواست	يَعْتَذِرُ: پوزش می‌خواهد	اِعْتَذِرْ: پوزش بخواه	اِعْتِذَار: پوزش خواستن (باب اِفْتِعَال)
اِنْقَطَعَ: بُریده شد	يَنْقَطِعُ: بُریده می‌شود	اِنْقَطِعْ: بُریده شو	اِنْقِطَاع: بُریده شدن (باب اِنْفِعَال)
تَكَلَّمَ: سخن گفت	يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید	تَكَلَّمْ: سخن بگو	تَكَلُّم: سخن گفتن (باب تَفَعَّل)

در یادگیری و ترجمه فعل‌ها حتماً به شناسه‌های آن‌ها و حرف اول فعل‌های مضارع (حروف مضارع «أ- ت- ي- ن») توجه کنید:

مهم‌ترین شناسه‌های ماضی			توجه به حرف اول مضارع + شناسه			توجه به شناسه امر (انتها)		
تُ	من	جَلَسْتُ: نشستم	أ + ریشه	من	أَجْلِسْ: می‌نشینم	«ت» در آخر	تو	اجلس: بنشین
تَ	تو	جَلَسْتَ: نشستی	ن + ریشه	ما	تَجْلِسْ: می‌نشینم	«ی» در آخر	تو	اجلسي: بنشین
تِ	تو	جَلَسْتِ: نشستی	ت + ریشه	او	تَجْلِسْ: می‌نشیند	«وا» در آخر	شما	اجلسوا: بنشینید
تْ	او	جَلَسَتْ: نشست	ت + ریشه	تو	تَجْلِسْ: می‌نشیند	«ن» در آخر	شما	اجلسن: بنشینید
وا	آن‌ها	جَلَسُوا: نشستند	ی + ریشه	او	يَجْلِسْ: می‌نشیند	«ا» در آخر	شما	اجلسا: بنشینید
ثم	شما	جَلَسْتُمْ: نشستید	ی + ریشه + وَن	آن‌ها	يَجْلِسُونَ: می‌نشینند			
ثما	شما	جَلَسْتُمَا: نشستید	ی + ریشه + اِن	آن‌ها	يَجْلِسَانِ: می‌نشینند			
ثنا	ما	جَلَسْنَا: نشستیم	ت + ریشه + وَن	شما	تَجْلِسُونَ: می‌نشینید			
	بدون شناسه	جَلَسَ: نشست						

واژگان

فعل

أَتَا: برانگیخت (مضارع: يَتِيْرُ)	تَسَاقَطَ: پی‌درپی افتاد (مضارع: يَتَسَاقَطُ)
إِخْتَفَلَ: جشن گرفت (مضارع: يَخْتَفِلُ)	حَيَّرَ: حیران کرد (مضارع: يُحَيِّرُ)
أَصْبَحَ: شد (مضارع: يُصْبِحُ)	سَخَبَ: کشید (مضارع: يَسْخَبُ)
أَمْطَرَ: باران بارید (مضارع: يُمَطِّرُ)	سَمَّى: نامید (مضارع: يُسَمِّي)
بَسَطَ: گستراند (مضارع: يَبْسِطُ)	صَدَّقَ: باور کرد (مضارع: يُصَدِّقُ)
بَعُدَ: دور شد (مضارع: يَبْعُدُ)	حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی
تَرَى: می‌بینی، ببینی	

اسم

إِعْصَار: گردباد	ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظَوَاهِر»
أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی	فِلم: فیلم «جمع: أَفلام»
التَّعَرُّفُ عَلَيَّ ... : شناختن ...	الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيُّ: اقیانوس اطلس
تَلْج: برف، یخ «جمع: تُلُوج»	مَفْرُوش: پوشیده، فرش شده
حَسَنًا: بسیار خوب	مِهْرَجَان: جشنواره
سَوْدَاء: سیاه (مُؤَنَّث «أَسْوَد»)	نُزُول: پایین آمدن، بارش
سَنَوِي: سالانه	

واژگان درس نامه، جوار و تمارین

فعل

إِنْتَبَهُوا: بیدار شدند (بیدار شوند)	لا تَنْتَقِلْ: جابه‌جا نمی‌شود
شَرَّفْتُمْ: مُشَرَّف فرمودید	

اسم

بِطَاقَة: کارت، بلیت	عَبْرَ: از راه
بِقَاع: قطعه‌های زمین (مفرد: بَقْعَة)	الْكَسَل: تنبلی
بِهَائِم: چارپایان (مفرد: بَهِيمَة)	مُرَافِق: همراه
تَقْتِيش: بازرسی	مَرَحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید
جَاهِز: آماده	نِيام: خُفَتگان (مفرد: نَائِم)
جَوَاز: گذرنامه	

يَرَى	می‌بیند	يُشَاهِدُ	مشاهده می‌کند	الْوُسْع	توانایی	الْقُدْرَة	توانایی	البِقَاع	زمین‌ها	الأَرَاضِي	زمین‌ها
الْيَنْبُوع	چشمه	العَيْن	چشمه	أَصْبَحَ	شد	صَارَ	شد	نُزُول	پایین آمدن	سَقُوط	پایین آمدن
حَفْلَة	جشن	مِهْرَجَان	جشنواره، جشن	صَعَّ	قرار ده	إِجْعَلْ	قرار ده	الْخَلْق	آفریدگان، مردم	النَّاس	مردم
حَاوَلْ	تلاش کرد	سَعَى	تلاش کرد	بَدَد	کشور	بِلَاد	کشور	أَهَالِي	ساکنان	سُكَّان	ساکنان

مفردات

اللَّيْلُ	شَبٌّ	النَّهَارُ	قَوِيٌّ	ضَعِيفٌ	بَسِطٌ	جَمَعَ
شب	شبه	روز	قوی	ضعیف	گستراند	جمع کرد
أَنْزَلَ	نَازَلَ	رَفَعَ	لَهَا	عَلَيْهَا	الْأَرْضُ	السَّمَاءُ
نازل کرد	بالا بُرد	به سود او	به زیان او	زمین	آسمان	
حَقِيقَتِي	حَقِيقِي	خَيَالِي	الْيَأْسُ	الرَّجَاءُ	إِنْتَبَهَ	نَامٌ
حقیقی	خیالی	نامیدی	امید	بیدار شد	خواهید	
صُعُودٌ	نُزُولٌ	سَوْدَاءٌ	بَيْضَاءٌ	صَدَقَ	كَذَبَ	
بالارفتن	پایین آمدن	سیاه	سفید	باور کرد	تکذیب کرد	
بَعُدَ	قَرَّبَ	الْمَوْتُ	الْحَيَاةُ	الرِّجَالُ	النِّسَاءُ	
دور شد	نزدیک شد	مرگ	زندگی	مردان	زنان	

جمع مکبر

أَيَّامٌ	أَمْطَارٌ	أَسْمَاكٌ	أَهَالِي	أَشْكَالٌ	أَزْهَارٌ	أَنْوَاعٌ	بِقَاعٌ	نِيَامٌ	ظَوَاهِرٌ
مفرد (روز)	مفرد (باران)	مفرد (ماهی)	مفرد (اهل ساکن، ساکنان)	مفرد (شکل، قیافه)	مفرد (زهر گل، شکوفه)	مفرد (نوع، گونه)	مفرد (قطعۀ زمین)	مفرد (خفته، خوابیده)	مفرد (ظاهرتۀ پدیده)
أَفْعَالٌ	صُيُوفٌ	رِجَالٌ	أَفْلَامٌ	دُنُوبٌ	طَلَّابٌ	تُلُوجٌ			
مفرد (فعل)	مفرد (صیوف)	مفرد (رجل مرد)	مفرد (فلم فیلم)	مفرد (ذنوب گناه)	مفرد (طالب دانش آموز، دانشجو)	مفرد (ثلج برف، یخ)			

ترجمه درس ۲



«الرَّوْزُ: ۳، ۳۸»

﴿اللَّهُ الَّذِي يُزِيلُ الرِّيحَ فتنيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ ...﴾

«خدا همان کسی است که بادها را می فرستد و [بادها] ابری را برمی انگیزند و [خدا] آن [ابر] را در آسمان می گستراند.»

مَطَرٌ	السَّمَكُ
باران	ماهی
بارانِ ماهی	

أَنْزَلَ

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكاً تَتَساقَطُ مِنْ السَّمَاءِ؟!
 آیا باور می کنی که ببینی در روزی از روزها ماهی هایی را بیینی که از آسمان [پای درپی] می افتند؟!
 مؤنث غایب از باب تفاعل

إِنَّ بِيْشَكِّ بَارَشٍ بَارَانٍ وَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنْ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛
 بی شک بارش باران و برف از آسمان یک چیز طبیعی است؛
 مع الغیر

وَلِكَيْنِ أَمْ يُمْكِنُ أَنْ تَرَى مَطَرًا مِنَ السَّمَكِ؟!
 ولی آیا امکان دارد که بارانِ ماهی را ببینیم؟!
 مؤنث غایب از باب إفعال



هَلْ تَنْظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟!
 آیا گمان می‌کنی که باشد آن باران حقیقت و نیست یک فیلم تخیلی؟!
 آیا گمان می‌کنی که آن باران حقیقت دارد و یک فیلم تخیلی نیست؟!
 فِلْمًا خَيَالِيًّا: ترکیب وصفی

حَسَنًا فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.
 بسیار خوب پس نگاه کن به این تصاویر تا باور کنی.
 بسیار خوب، پس به این تصاویر نگاه کن تا باور کنی.
 أَنْظُرْ: فعل ثلاثی مجزئ (امر از صیغه «مفرد مذکر مخاطب»)
 تُصَدِّقُ: فعل ثلاثی مزید (مضارع از صیغه «مفرد مذکر مخاطب» از باب تفعیل)

أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تَشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنْ السَّمَاءِ؛
 نگاه کن با دقت؛ تو مشاهده می‌کنی افتادن ماهی‌ها [را] از آسمان؛
 با دقت نگاه کن؛ تو افتادن ماهی‌ها را از آسمان می‌بینی؛
 تَشَاهِدُ: فعل ثلاثی مزید (مضارع از صیغه «مفرد مذکر مخاطب» از باب مُفَاعَلَة)

كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمْطِرُ أَسْمَاكًا. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرُ السَّمَكِ».
 گویی آسمان می‌بارد ماهی‌هایی [را]. می‌نامند مردم این پدیده طبیعی [را] «باران ماهی».
 گویی که آسمان ماهی‌هایی را می‌بارد، مردم این پدیده طبیعی را «باران ماهی» می‌نامند.
 تُسَمِّي: فعل ثلاثی مزید (مضارع از صیغه «مفرد مؤنث غایب» از باب إفعال)
 يُسَمِّي: فعل ثلاثی مزید (مضارع از صیغه «مفرد مذکر غایب» از باب تفعیل)

حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَ مَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.
 متحیر کرد این پدیده مردم [را] سال‌هایی طولانی پس نیافتند برای آن پاسخی [را].
 این پدیده سال‌هایی طولانی مردم را حیرت‌زده کرد و [آن‌ها] پاسخی برایش پیدا نکردند.
 حَيَّرَتْ: فعل ثلاثی مزید (ماضی از صیغه «مفرد مؤنث غایب» از باب تفعیل)
 وَجَدُوا: فعل ثلاثی مجزئ (ماضی از صیغه «جمع مذکر غایب»)

يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهُندُوراس فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.
 اتفاق می‌افتد «باران ماهی» سالانه در جمهوری هندوراس در آمریکای مرکزی.
 [پدیده] «باران ماهی» سالانه در جمهوری هندوراس در آمریکای مرکزی اتفاق می‌افتد.
 يَحْدُثُ: فعل ثلاثی مجزئ (مضارع از صیغه «مفرد مذکر غایب»)
 أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: ترکیب وصفی

تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا.
 اتفاق می‌افتد این پدیده دو بار در سال گاهی.
 گاهی وقت‌ها این پدیده دو بار در سال اتفاق می‌افتد.
 تَحْدُثُ: فعل ثلاثی مجزئ (مضارع از صیغه «مفرد مؤنث غایب»)
 أحيانًا: گاهی، بعضی اوقات، گاهی اوقات

فَيُشَاهِدُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ بَرَقًا وَ مَشَاهِدَةً مِي كُنْدُ مَرْدَمِ اَبْر سِيَاه بَزْرُكِي وَ رَعْد وَ بَرَقِي وَ رِيَاحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ وَ بَادِهَائِي قَوِي وَ بَارَان شَدِيدِي بَرای مَدْت دو سَاعْت يَا بِيَشْتَر مَرْدَمِ اَبْر سِيَاه بَزْرُكِي [مِهْرَاه] بَارَعْد وَ بَرَق وَ بَادِهَائِي قَوِي وَ بَارَان شَدِيدِي رَا بَه مَدْت دو سَاعْت يَا بِيَشْتَر مِي بِيْنْد

ثُمَّ تَصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، سَيْسِ مِي شُود لِبَطْبِخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا.
 سپس زمین پوشیده از ماهی‌ها، پس برمی‌دارند آن را مردم برای پختن آن‌ها و خوردنشان.
 سپس زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌شود و مردم، آن‌ها را برای پختن و خوردنشان برمی‌دارند.
 تَصْبِحُ: فعل ثلاثی مزید (مضارع از صیغه «مفرد مؤنث غایب» از باب إفعال)
 يَأْخُذُ: فعل ثلاثی مجزئ (مضارع از صیغه «مفرد مذکر غایب»)
 تَنَاوُلُ: مصدر باب «تَفَاعُلُ»
 تَنَاوُلِهَا: ترکیب اضافی

يُسْمَوْنَ: فعل ثلاثي مزيد (مضارع از صيغة «جمع مذکر غایب»)
«مَطَرٍ» و «السَّمَكِ»: مضافا اليه

و يُسْمَوْنَ	«مِهْرَجَانِ»	مَطَرٍ	السَّمَكِ».
و می نامند آن را	«جشنواره»	باران	ماهی.»
و آن را «جشنواره باران ماهی» می نامند.			

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. درست و نادرست را براساس متن درس مشخص کن.

۱- يَحْتَفِلُ أَهْلِي الْهِنْدُوْرَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسْمَوْنَ «مِهْرَجَانِ الْبَحْرِ». (ساکنان هندوراس ماهانه این روز را جشن می گیرند و آن را «جشنواره دریا» می نامند.)

نادرست است، زیرا در متن آمده است: يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُوْرَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسْمَوْنَ «مِهْرَجَانِ مَطَرِ السَّمَكِ»

۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْمَارَ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَي الْأَرْضِ. (هنگامی که گردباد سرعتش را از دست می دهد، ماهی ها پی در پی روی زمین می افتند.)

درست است، زیرا در متن هم همین موضوع آمده است: «و عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَسَاقَطُ عَلَي الْأَرْضِ.»

۳- يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيْبَةِ. (دانشمندان از شناختن راز آن پدیده شگفت ناامید شدند.)

نادرست است، زیرا در متن آمده است: «حَاوَلُ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ ... فَأَرْسَلُوا قَرِيْبًا ... فَوَجَدُوا ...»

۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ. (بی شک بارش باران و برف از آسمان امری طبیعی است.)

درست است، و در متن هم آمده است: «إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ.»

۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ. (این پدیده ده بار در سال اتفاق می افتد.)

نادرست است، زیرا در متن آمده است: «يَحْدُثُ مَطَرُ السَّمَكِ سَنَوِيًّا ... تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أَحْيَانًا.»

حوار (في قسم الجوازات في المطار)

شروطی اداره الجوازات پلیس اداره گذرنامه	گفت و گو (در بخش گذرنامه فرودگاه)	المسافر الإيراني مسافر ایرانی
أهلاً و سهلاً بكم. من أي بلد أنتم؟	نحن من إيران و من مدينة زابل.	
خوش آمدید. شما از کدام کشور هستید؟	ما ایرانی هستیم و از شهر زابل.	
مرحباً بكم. شرفتمونا.	أشكرك يا سيدي.	
درود بر شما. به ما افتخار دادید.	از شما سپاس گزارم آقا (قربان)!	
ما شاء الله! تتكلم بالعربية جيداً!	أحب هذه اللغة. العربية جميلة.	
ما شاء الله! خوب به عربی صحبت می کنی.	من این زبان را دوست دارم. عربی زیباست.	
كم عدد المرافقین؟	سنتة: والدي و أختاي و أخوي.	
تعداد همراهان چند نفر است؟	شش نفر: پدر و مادر و دو خواهر و دو برادرم.	
أهلاً بالسيفوف. هل عندكم بطاقات الدخول؟	نعم؛ كل واحدٍ مِنَّا ببطاقته بيده.	
درود بر مهمان ها. آیا کارت ورود دارید؟	بله؛ هر یک از ما کارتش در دستش است.	
الرجال على اليمين و النساء على اليسار للفتيش.	على عيني.	
آقایان سمت راست، و خانم ها سمت چپ، برای بازرسی	به روی چشم.	
رجاء؛ اجعلوا جوازاتكم في أيديكم.	نحن جاهزون.	
لطفاً گذرنامه هایتان را در دستانتان بگیرید.	ما آماده ایم.	



التمارين

التدريب الأول عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. (تمرین اول جمله درست و نادرست را براساس حقیقت و واقعیت، مشخص کن.)

۱- الْمِهْرَجَانُ اخْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمِهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَجَانِ الْأَفْلَامِ.

جشنواره، جشنی است به مناسبتی زیبا، مانند جشنواره گل ها و جشنواره فیلم ها. ✓

۲- التَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَي الْجِبَالِ فَقَط.

برف، نوعی از انواع بارش آب از آسمان است که فقط روی کوه ها می بارد. ✗

۳- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُونَ بِالنُّورُوزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ.

ایرانیان، نوروز، اولین روز از روزهای سال شمسی (خورشیدی) را جشن می گیرند. ✓

۴- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.



ماهی‌ها در رودخانه و دریا زندگی می‌کنند و انواع مختلفی دارند.

۵- الْأَعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ، لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.



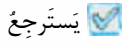
گردباد، باد شدیدی است که از جایی به جایی دیگر منتقل نمی‌شود.

اَلثَّغْرَيْنِ الثَّانِي عَيْنِ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ. (تمرین دوم جواب درست را مشخص کن.)



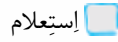
۱- الْأَمَاضِي مِنْ «يَنْقَطِعُ»:

«يَنْقَطِعُ» مضارع از باب «انفعال» است که ماضی آن بر وزن «انفعل» به کار می‌رود. / «فَطَعَ» مجرد است. - «تَقَطَّعَ» بر وزن «تَفَعَّلَ» از باب «تَفَعَّلَ» است.



۲- الْمَضَارِعُ مِنْ «اسْتَرْجَعَ»:

«اسْتَرْجَعَ» ماضی از باب «استفعال» است که مضارع آن بر وزن «يَسْتَفْعِلُ» به کار می‌رود. / «يُرَاجِعُ» از باب «مُفَاعَلَةٌ» / «يَزِجُ» نیز ثلاثی مجرد است.



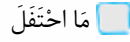
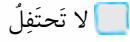
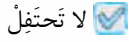
۳- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَعَلَّمَ»:

«تَعَلَّمَ» ماضی از باب «تَفَعَّلَ» است که مصدرش «تَعَلَّمَ» می‌باشد. / «اسْتِعْلَمَ» مصدر باب «استفعال» است. / «تَعَلَّمَ» مصدر باب «تَفَعَّلَ» است.



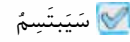
۴- الْأَمْرُ مِنْ «تَسْمِعُ»:

«تَسْمِعُ» مضارع از باب «افتعال» است که امرش بر وزن «افتعِلْ» به کار می‌رود. / «تَسْمَعُ» امر از باب «تَفَعَّلَ» است. / «اسْمَعُ» امر ثلاثی مجرد است.



۵- الْأَنْهِي مِنْ «تَحْتَفِلُ»:

لای نهی ضمه آخر فعل مضارع را به سکون (ت) تبدیل می‌کند. / «مَا احْتَفَلُ»: ماضی منفی است. / «لَا تَحْتَفِلُ»: مضارع منفی است.



۶- الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَبْتَسِمُ»:

فعل مستقبل (آینده) با افزودن «س» یا «سَوْفَ» به ابتدای فعل مضارع به دست می‌آید. / «ابْتَسَمَ» مصدر است. / «ابْتَسِمُ» فعل امر است.

اَلثَّغْرَيْنِ الثَّالِثُ تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ عَيِّنِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ (إِذَا كَانَ مَوْجُودًا). (تمرین سوم آیه‌ها و دو حدیث را ترجمه کن، سپس نوع فعل‌ها را مشخص کن.) (اگر وجود داشته باشد.)

۱- «فَاسْتَقْرُوا لِدُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الدُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ» ﴿آل عمران: ۱۳۵﴾

ماضی مضارع

پس برای گناهانشان آمرزش خواستند و چه کسی جز خداوند، گناهان را می‌آمرزد؟

۲- «فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانظُرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» ﴿يونس: ۲۰﴾

امر امر

پس بگو: غیب، تنها از آن خداست، پس منتظر باشید. من نیز با شما از منتظران هستم.

۳- «وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ» ﴿الفرمل: ۱۰﴾

امر مضارع امر

بر آن چه که می‌گویند صبر کن و از آن‌ها دوری کن.

۴- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاثُوا انْتَبَهَوْا. ﴿رسول الله ﷺ﴾

ماضی ماضی

مردم خفته‌اند، و هرگاه بمرند، بیدار می‌شوند.

۵- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ. ﴿رسول الله ﷺ﴾

(در این جمله، فعل وجود ندارد.) به راستی شما مسئول هستید، حتی درباره زمین‌ها و چارپایان.

اَلثَّغْرَيْنِ الرَّابِعُ ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ). (تمرین چهارم در دایره، شماره مناسب را بگذار. (یک کلمه، اضافی است.))



يَذْرُسُ فِيهِ الطَّلَابُ.

۱- الْمَسْجِدُ (مسجد)

آدانش‌آموزان در آن درس می‌خوانند.



عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ.

۲- الْمِشْمِشُ (زردآلو)

آچشمه آب و جوی پرآب است.



فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مَجْفَقَةً أَيْضًا.

۳- الْيَنْبُوعُ (سرچشمه، جوی پرآب)

آمیوه‌ای که مردم آن را به صورت خشک‌شده هم می‌خورند.



بَيْتٌ مُقَدَّسٌ لِإِدَاءِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ.

۴- الْمَوْتُ (مرگ)

آخانه‌ای مقدس نزد مسلمانان برای برپایی نماز.



الْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ مَغْرِبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ.

۵- اللَّيْلُ (شب)

آزمان پیوسته از غروب خورشید تا طلوع سپیده‌دم است.

۶- الصَّفُّ (کلاس)

کلمه اضافی: «الْمَوْتُ»

أَنْزَلَ - أَصْبَحَ - حَفَلَتْ - رَفَعَ - صُعِدَ - صَارَ - مِهْرَجَانَ - نُزُولَ

صَارَ	أَصْبَحَ	رَفَعَ	أَنْزَلَ
شد	شد	بالا بُرد	نازل کرد، فروفرستاد
نُزُولَ	صُعُودَ	مِهْرَجَانَ	حَفَلَتْ
پایین آمدن	بالا رفتن	جشنواره	جشن

الْعَشْرِينَ الْخَامِسُ صُغِيَ فِي الْفُرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا. (سومین ششم در جای خالی فعل مناسبی بگذار.)

- ﴿فَاضِبِرْ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ لِذَنْبِكَ﴾ «غافر: ۵۵»
(پس صبر پیشه کن، که وعده خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه.)
- إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَوْفَ كُنَّا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ.
(اگر خدا بخواهد، همه ما بعد از دو سال از مدرسه دانش آموخته خواهیم شد.)
- إِلَهِي قَدْ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَ أَنْتَ رَجَائِي.
(ای خدای من! امیدم از خلق بریده شده است و تو امید من هستی.)
- كَانَ صَدِيقِي وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ.
(دوستم برای برگشتن به خانه منتظر پدرش می شد.)
- أَنَا وَ زَمِيلِي رَسَائِلَ عَبْرَ الْإِنْتَرْنِتِ.
(من و هم کلاسی ام نامه‌هایی را از طریق اینترنت دریافت کردیم.)

- اِشْتَرَجْتُ اِشْتَرَجْتُ
پس بگیر پس بگیر
- نَخَّرَجْنَا نَخَّرَجْنَا
دانش آموخته می شویم دانش آموخته شدیم
- انْقَطَعْتُ انْقَطَعْتُ
بُریده شد بُریده شد
- يَنْتَظِرُ يَنْتَظِرُ
منتظر می شود منتظر می کند
- اِسْتَلَمْتُ اِسْتَلَمْتُ
دریافت کردیم دریافت کردم

أَنْوَارُ الْقُرْآنِ (پرتوهای قرآن)

إِنْ تَخَبَّ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. (جواب درست را در ترجمه فارسی انتخاب کن.)

- ﴿وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُيَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾
فعل نهی مفاع منفی
و از رحمت خدا ناامید نشوید نشدند ؛ زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا ناامید نشده است نمی شود.
- ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾
با دانش و فرمان اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که خوب بهتر است گفت‌وگو کن.
- ﴿فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي﴾
پس ما را مرا یاد کنید؛ تا شما را یاد کنم و از من سپاس‌گزاری کنید شکرگزاری کنید.
- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾
خدا به کسی جز به اندازه توانش درخواستش تکلیف نمی دهد.
- ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾
هر کس آن چه را که [از خوبی‌ها] کسب کرده، به سودش زیانش است، و آن چه را [ببدی‌ها] کسب کرده به سودش زیانش است.

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ «پژوهش علمی»

إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قُرْآنِيَّةٍ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرْجِمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمَعْجَمِ عَرَبِيٍّ - فَارْسِيٍّ.
قصه قرآنی کوتاهی را به زبان عربی در اینترنت یا مجله یا کتابی جست‌وجو کن و با استفاده از واژه‌نامه‌ای عربی به فارسی، آن را ترجمه کن.

سؤال‌های امتحانی

پاسخ در صفحه ۱۲۶

سؤال‌های ترجمه محور

۱- تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا:

- هَلْ تُصَدِّقُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ؟

- مُتَعَلِّقَةٌ بِمِيَاهِ الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.



- كم عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟
۳۲۱

 - الْإِعْصَارُ يَسْحَبُ الْأَشْيَاءَ إِلَى السَّمَاءِ.
۳۲۳ ۳۲۴

 - فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ
۳۲۶

 - إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ.
۳۲۸

 - إِنَّ أَرْضَ تِلْكَ الْمِنْطَقَةِ مَفْرُوشَةٌ بِالْأَسْمَاكِ.
۳۳۰

 - اِسْتَعْمَلُوا كَثِيرًا، أَبْيَهَا الْعَمَالَ.
۳۳۲

 - سَوْفَ أَنْتَظِرُكَ فِي مَحَطَّةِ الْقِطَارِ.
۳۳۴

 - هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟
۳۲۲

 - أَرْسَلُوا فَرِيقًا لِتَعْرِفَ عَلَيَّ الْأَسْمَاكِ.
۳۲۵

 - فَيُشَاهِدُ النَّاسُ عَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً.
۳۲۷

 - مَطَرُ السَّمَكِ ظَاهِرَةٌ طَبِيعِيَّةٌ.
۳۲۹

 - حَيَّرَتْ ظَاهِرَةٌ مَطَرِ السَّمَكِ أَوْلِيكَ النَّاسِ.
۳۳۱

 - هُمْ سَيَسْتَرْجِعُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي الشَّهْرِ الْقَادِمِ.
۳۳۳

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۲- عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ:

أَرْسَلَ - يَرَى - أَضْبَحَ - بَعَدَ - سَوْدَاءَ - يُشَاهِدُ - بَيْنَاءَ - بَعَثَ - قَرَّبَ - صَارَ

..... ۳۳۷ -

..... ۳۳۶ -

..... ۳۳۵ -

..... ۳۳۹ -

..... ۳۳۸ -

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

مِهْرَجَان - رَفَعَ - صَارَ

..... ۳۴۱ - حَفَلَةٌ

..... ۳۴۰ - أَنْزَلَ

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

السَّحَابَ - حُجْرَةٌ - يَسَارَ - عُرْفَةٌ - يَمِينِ

..... ۳۴۲ -

..... ۳۴۲ -

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

صُعُودَ - عَيْمِ - مَطَرٌ - نَزُولٌ - سَحَابٌ - ثَلْجٌ

..... ۳۴۳ -

..... ۳۴۴ -

لَهَا - بَعَدَ - بَسَطَ - أَضْبَحَ - عَلَيْهَا - صَارَ

..... ۳۴۵ -

..... ۳۴۶ -

يَنْبُوعٌ - حَاوَلَ - يَأْسُ - عَيْنٌ - مُحَاوَلَةٌ - رَجَاءٌ

..... ۳۴۷ -

..... ۳۴۸ -

۳- الفِ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى:

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

 ۳۵۰ - الْبَحْرُ الْمُحِيطُ التَّهْرُ الْغَازُ

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

 ۳۵۱ - مَطَرٌ عَيْمٌ نِيَامٌ سَمَاءٌ

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

 ۳۵۲ - الرِّيْتُ الرِّيحُ المَطَرُ العَيْمَةُ

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

 ۳۵۳ - رِيَابٌ أَمْطَارٌ ثُلُوجٌ أَقْمَارٌ

 ۳۵۴ - مَطَرٌ ثَلْجٌ رِيحٌ نَزُولٌ

ب) عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْغَرِيبَةِ فِي النَّوعِ: (الماضي وَ المضارع وَ الأمر وَ النَّهْي)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور با اندکی تغییر)

 ۳۵۵ - اِسْتَمَعَ تَعَلَّمَ تَسْتَعِدِّمُ تَهَاجَمَ

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور با اندکی تغییر)

 ۳۵۶ - تَقَاعَدَ تَقَدَّمَ تَكَلَّمَ اِنْقِطَاعَ

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

 ۳۵۷ - اِسْتَعْمَلَ اِسْتَفْرَعَ اِنْقَلَبَ اِسْتَحْرَجَ

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

 ۳۵۸ - تَخَرَّجَ تَنَقَّلَ تَكشِفُ تَتَّفِقُ

 ۳۵۹ - لَا تَتَّفِقُوا لَا تَسْتَعِدِّمِي لَا تَتَّخِزْنِ لَا تَتَّسَقَطُوا

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

 ۳۶۰ - قَاتَلَ اِعْتَدَزْتُ تَخَلَّصْتُ يَتَرَاخَمُ

۱۰- صَغُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مَنَاسِباً:

- ۴۴۳- أَخِي الْكَبِيرُ مِنَ الْجَامِعَةِ بَعْدَ أَرْبَعِ سَنَوَاتٍ. خَرَجَ تَخَرَّجَ
- ۴۴۴- كَانَ الزَّارِعُ شَجَرَةً فِي الْحَدِيقَةِ. يَفْطَعُ يَنْقَطِعُ
- ۴۴۵- الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ فِي صَلَاتِهِ. اسْتَغْفَرَ غَفَرَ
- ۴۴۶- هُوَ لَا يَكْذِبُ وَ النَّاسُ كَلَامَهُ. يَصْدُقُ يُصَدِّقُ
- ۴۴۷- ﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَ سَحَاباً...﴾ يَنْزِلُ تَثِيرُ
- ۴۴۸- إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَوْفَ كُلُّنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ. تَخْرُجْنَا نَتَخَرَّجُ
- ۴۴۹- يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ. يَحْسِبُ يَسْحَبُ
- ۴۵۰- هِيَ وَ صَدِيقَتِهَا رِسَائِلَ عَبْرِ الْإِنْتِرْنِتِ. اسْتَلَمَتَا اسْتَلَمَا

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۱۱- عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ۴۵۱- الْمَاضِي مِنْ «يَتَفَكَّرُ» الْف (الف) تَفَكَّرَ (ب) فَكَّرَ (ج)
- ۴۵۲- الْمَضَارِعُ مِنْ «اسْتَلَمَ» الْف (الف) يَسْلِمُ (ب) يَسْتَلِمُ (ج)
- ۴۵۳- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَرَحَّمَ» الْف (الف) تَرَحَّمَ (ب) تَرَحِيمَ (ج)
- ۴۵۴- الْأَمْرُ مِنْ «تَسَلَّمَ» الْف (الف) اسْلِمَ (ب) اسْتَلِمَ (ج)
- ۴۵۵- النَّهْيُ مِنْ «تَكْتَسِبُ» الْف (الف) لَا تَكْتَسِبُ (ب) مَا تَكْتَسِبُ (ج)
- ۴۵۶- الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَنْقَلِبُ» الْف (الف) يَسْتَقْبِلُ (ب) سَيَنْقَلِبُ (ج)
- ۴۵۷- الْمَاضِي مِنْ «يَبْتَعِدُ» الْف (الف) تَبَعَدَ (ب) ابْتَعَدَ (ج)
- ۴۵۸- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَعَلَّمَ» الْف (الف) تَعْلِيمَ (ب) إِعْلَامَ (ج)
- ۴۵۹- الْمَضَارِعُ مِنْ «تَعَلَّمَ» الْف (الف) يُعَلِّمُ (ب) يَتَعَلَّمُ (ج)
- ۴۶۰- الْمَاضِي مِنْ «يَتَكَلَّمُ» الْف (الف) كَلَّمَ (ب) كَلَّمُ (ج)
- ۴۶۱- الْأَمْرُ مِنْ «تَتَعَلَّمُ» الْف (الف) عَلَّمَ (ب) أَعْلِمُ (ج)
- ۴۶۲- النَّهْيُ مِنْ «تَحْتَفِلُونَ» الْف (الف) مَا احْتَفَلُوا (ب) لَا تَحْتَفِلُونَ (ج)
- ۴۶۳- الْمَاضِي مِنْ «يَمْتَحِنُ» الْف (الف) امْتَحَنَ (ب) امْتَحَنَ (ج)
- ۴۶۴- الْأَمْرُ مِنْ «تَسْتَكْبِرُونَ» الْف (الف) تَسْتَكْبِرُوا (ب) اسْتَكْبِرُوا (ج)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور با اندکی تغییر)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۱۲- عَيِّنِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: (الماضي وَ المضارع وَ الأمر وَ النهي)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۴۶۵- ﴿لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ﴾

۴۶۶- اسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِكُمْ.

۴۶۷- يَبِيسُ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ أَسْرَارِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ.

۴۶۸- تَسَاقَطَتِ أَسْمَاكَ مِنَ السَّمَاءِ فَجَاءَتْ.

۴۶۹- شَاهِدُوا تِلْكَ الظَّاهِرَةَ بِدَقَّةٍ.

۱۳- صَغُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمَنَاسِبَ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ):

(الف)

- ۴۷۰- مَنْ يُسَافِرُ مَعَكَ وَ هُوَ صَدِيقُكَ أَوْ مِنْ أُسْرَتِكَ ۱- الْمِهْرَجَانُ
- ۴۷۱- الْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ طُلُوعِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِهَا ۲- اللَّيْلُ
- ۴۷۲- مَا يَجْعَلُ سَفْرَكَ إِلَى خَارِجِ الْبِلَادِ مَسْمُوحاً ۳- الْمُرَافِقُ
- ۴۷۳- مَا يَنْزِلُ مِنَ الْعَيْمِ بِشَكْلِ جَائِدٍ لَا سَائِلٍ ۴- الصَّفُّ
- ۴۷۴- يَدْرُسُ فِيهِ الطَّلَاتُ ۵- الْجَوَازُ
- ۶- النَّهَارُ
- ۷- التَّلْحُ

(ب)

- ۴۷۵- السَّبَبُ الرَّئِيسِيُّ فِي حَدُوثِ «مَطَرِ السَّمَكِ».
- ۴۷۶- يَدْرُسُ فِيهِ الطَّلَابُ.
- ۴۷۷- عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ.
- ۴۷۸- فَكَيْهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضاً.
- ۱- الينبوع
- ۲- الثلج
- ۳- الصّف
- ۴- المِشْمِش
- ۵- الإعصار
- ۶- الموث

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سؤال‌های فهم و درک مطلب



۱۴- عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. (✓)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

- ۴۷۹- الإعصارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.
- ۴۸۰- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورُوزِ؛ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ.
- ۴۸۱- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ.
- ۴۸۲- الينبوعُ نَهْرٌ قَلِيلُ الْمَاءِ.
- ۴۸۳- يَتَسَّى الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ مَطَرِ السَّمَكِ.
- ۴۸۴- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ.
- ۴۸۵- تَحَدَّثُ ظَاهِرَةٌ مَطَرِ السَّمَكِ تِسْعَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.

۱۵- أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- الف) كَمَ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟ ۴۸۶
- ب) مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟ ۴۸۷
- أَنَا وَ أُخْتَايَ وَ عَمِّي وَ خَالَتَايَ ذَهَبْنَا عِنْدَ جَدَّتِي فِي لَيْلَةِ «يَلِدَا».
- ج) كَمَ عَدَدُ مُرَافِقِيكَ؟ ۴۸۸
- ۱۶- رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ اكْتُبْ سُؤْلاً وَ جَوَاباً صَحِيحاً.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

بطاقات - عندكم - هل - الدخول - بطاقتة - كل واحد - نعم - بيده - منا

۴۸۹- سؤال: ؟

۴۹۰- پاسخ:

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

سنة - كم - المرافقين - عدد - والداي - و اخواني - و اختاي

۴۹۱- سؤال: ؟

۴۹۲- پاسخ:

۱۷- إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

- «إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ. يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ. يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ». تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ.»
- ۴۹۳- أَيْنَ يَحْدُثُ مَطَرُ السَّمَكِ؟
- ۴۹۴- كَمَ مَرَّةً تَحَدَّثُ ظَاهِرَةُ مَطَرِ السَّمَكِ سَنَوِيًّا؟

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۱- کلماتی را که خط کشیده شده ترجمه کن:

- ۱- کارمندان
- ۲- سالن
- ۳- فرودگاه
- ۴- پاره آتش
- ۵- فروزان
- ۶- نعمت‌ها
- ۷- ریزان
- ۸- شاخه‌ها
- ۹- تر و تازه
- ۱۰- کامل
- ۱۱- توانا (قوی)
- ۱۲- ستاره‌ها (ستارگانی)
- ۱۳- تر و تازه
- ۱۴- دانه (دانه‌ای، یک دانه)
- ۱۵- با استفاده از
- ۱۶- ستاره (ستاره‌ای)
- ۱۷- تحقیقات (تحقیقاتی)
- ۱۸- پدید آوزد

۱۹- خارج نشود

۲- الف) مترادف و متضاد را مشخص کن (دو کلمه، اضافی است.)

۲۰- أَصْبَحَ = صَارَ (شد)

۲۱- رَحِيصَةً (ارزان) غَالِيَةً (گران)

۲۲- جَذْوَةً = شَرَزَةً (پاره آتش)

۲۳- رَائِبٍ (مردود) نَاجِحٍ (قبول، موفق)

۲۴- أُوجِدَ = خَلِقَ (آفرید، پدید آوزد)

۲۵- رَفَعَ (بالا بُرد) أَنْزَلَ (نازل کرد، فرو فرستاد)

ب) از کلمات زیر، مترادف‌ها و متضادها را بنویس.

۲۶- السَّحَابُ = الغَيْمُ (ابر)

۲۷- حَصَدَ (درو کرد) زَرَعَ (کاشت)

۲۸- الجَذْوَةُ = الشَّرَزَةُ (پاره آتش)

۲۹- أُمْسٍ (دیرروز) غَدًا (فردا)

۳۰- بَدَايَةَ (آغاز) نِهَآيَةَ (پایان)

۳۱- الظُّلُمَاتُ (تاریکی‌ها) النُّورُ (نور، روشنی)

۳۲- الطَّآرِجَةُ = النَّصْرَةُ

۳- کلمه ناهاهنگ در معنا را مشخص کن:

۳۳- الشَّرَزَةُ (اخگر) // کلمات «الشَّجَرَةُ: درخت»، «العُصْنُ: شاخه» و «التَّمْرَةُ: میوه» با هم از نظر معنا در ارتباط هستند.

۳۴- السماء (آسمان) // کلمات «البَحْرُ: دریا»، «المُحِيطُ: اقیانوس» و «الماء: آب» با هم ارتباط معنایی دارند.

۳۵- نَصْرَةٌ (تر و تازه) // کلمات «جَذْوَةٌ: پاره آتش»، «شَرَزَةٌ: اخگر، پاره آتش» و «مُسْتَعْرَةٌ: فروزان» از نظر معنایی با هم ارتباط دارند.

۳۶- شَهْرٌ (ماه) // کلمات «مُحَافَظَةٌ: استان»، «مَدِينَةٌ: شهر» و «بَلَدٌ: شهر، کشور» هر سه از مناطق جغرافیایی به شمار می‌روند؛ بنابراین با هم ارتباط معنایی دارند.

۴- مفرد یا جمع کلمات زیر را بنویس:

۳۷- عُصُونٌ مفرد ← عُصْنٌ (شاخه)

۳۸- نَجْمٌ جمع ← نُجُومٌ و أَنْجُمٌ (ستارگان)

۳۹- دُزْرٌ مفرد ← دُزْرٌ (مروارید)

۴۰- لَوْنٌ جمع ← أَلْوَانٌ (رنگ‌ها)

۴۱- مَلْبَسٌ مفرد ← مَلْبَسٌ (لباس)

۴۲- صَدِيقٌ جمع ← أَصْدِقَاءٌ (دوستان)

۴۳- أُبْحَاثٌ مفرد ← بَحْثٌ (تحقیق)

۴۴- جَبَلٌ جمع ← جِبَالٌ (کوه‌ها)

۵- آیات و عبارات‌های زیر را به فارسی ترجمه کن:

۴۵- «ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید...»

۴۶- «و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند؛ پروردگارا! این [ها] را ببه‌وده نیافریده‌ای.»

۴۷- «و به خورشیدی بنگر که پاره آتش آن فروزان است.»

۴۸- این کیست که خورشیدی را پدید آوزد که پاره آتش آن فروزان است؟

۴۹- ای برادر عزیز [م]! اسم شریف شما چیست؟

۵۰- به ابر بنگر، پس چه کسی از آن باران فرو فرستاد؟

۵۱- چگونه درخت از یک دانه رشد کرد و چگونه [آن] دانه درخت شد؟

۵۲- آن (او) همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

۵۳- چگونه از دانه‌ای روید و چگونه درخت شد؟

۵۴- پس جست‌وجو کن و بگو: این کیست که از آن، میوه را خارج می‌کند؟

۵۵- و آن را با ستارگانی همچون مرواریدهای پراکنده زینت داد.

۵۶- این کیست که آن (خورشید) را در هوا مانند پاره آتش پدید آورده است؟

۵۷- «... آن (او) همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است»

۵۸- «... نه متأسفانه، ولی من دوست دارم که سفر کنم...»

۶- ترجمه درست را مشخص کن:

۵۹- گزینۀ «ب» [«أَنْعَمَ: نعمت‌ها» جمع است و «مُنْهَمِرَةٌ: ریزان» اسم است نه فعل.]

۶۰- گزینۀ «ب» [در مبحث ساعت، واژه پس از «إِلَّا» را از ساعت بیان شده در قبل از «إِلَّا» کم می‌کنیم.]

۶۱- گزینۀ «الف»: [در گزینۀ «ب» اولاً: واژه «خود» اضافی است. ثانیاً: «عَظْمَةٌ» به معنای «بزرگی» است نه بزرگ. ضمناً «عَظْمَةٌ» باید قبل از «مَخْلُوقَاتٌ» ترجمه شود نه پس از آن، زیرا صفت «مَخْلُوقَاتٌ» نمی‌باشد.]

۶۲- گزینۀ «ب»: «الغَيْمُ: ابر» و «المَطَرُ: باران» مفرد هستند نه جمع / أَنْزَلَ: نازل کرد، فعل ماضی است نه مضارع.

۶۳- گزینۀ «الف»: تُحِبُّ: دوست داری / أَنْ تُسَافِرَ: سفر کنی / بلادك الجميلة: کشور زیبایت

۶۴- گزینۀ «ب»: أَنْجُمٌ: ستارگان (ستارگانی) و الدُّزْرُ: مرواریدها، جمع هستند نه مفرد.

۷- جاهای خالی را در ترجمه کامل کن:

۶۵- ... نگاه کن - چه کسی

۶۶- ... آفرینش آسمان‌ها و زمین - نیافریدی

۶۷- ... بکاری، در آخرت درو می‌کنی

۶۸- ... صبر نسبت به ایمان همانند سر نسبت به بدن است

۶۹- آن - نمی‌نویسند

۷۰- درس‌هایشان - می‌خوانند [کان + فعل مضارع ← ماضی استمراری] در فارسی]

۷۱- رشد کرد - شد



مرور قواعد عربی: هفتم، هشتم و نهم



در درس اول، قواعد سه سال گذشته را مرور کردیم، بنابراین در این درس قواعد جدیدی نداریم، برای جمع‌بندی مطالب این درس به خلاصه قواعد در درس اول مراجعه کنید.

قواعد اعداد (۱ تا ۱۰)



اعداد اصلی و ترتیبی

معدود: اسمی است که همراه عدد می‌آید؛ مانند: «دُروسٍ» و «الدَّرْسُ»، در دو مثال زیر:

مثال: أَرْبَعَةُ دُرُوسٍ / چهار درس / الدَّرْسُ السَّابِعُ: درس هفتم
عدد معدود / عدد معدود

اعداد عقود: عبارت‌اند از اعداد دهگان ۲۰ تا ۹۰ که همراه «وَنَ» یا «بَيْنَ» به کار می‌روند؛ مانند: خَمْسُونَ / خَمْسِينَ: پنجاه

اعداد معطوف: اعداد بین دهگان‌ها است «عدد مفرد + وَ + عقود» مانند: ۲۹ روز ← تِسْعَةَ وَ عِشْرُونَ يَوْمًا: بیست و نه روز

اعداد ترتیبی (بیانگر ترتیب)

معدود + عدد

مثال: الدَّرْسُ الثَّلَاثُ (درس سوم)

- در اعداد ۳ تا ۱۰ معدود به صورت جمع می‌آید، ولی مفرد ترجمه می‌شود. / اعداد ترتیبی بر وزن «الفاعل» یا «الفاعلة» می‌آیند (به جز الأول).
- معدود ۱۱ تا ۹۹ به صورت مفرد به کار می‌رود.
- اعداد اصلی قبل از معدود می‌آیند (غیر از ۱ و ۲).
- در ترجمه با پسوند «م» یا «مین» به کار می‌روند.
- اعداد ترتیبی بعد از معدود می‌آیند.

اعداد اصلی (بیانگر تعداد)

عدد + معدود

مثال: ثَلَاثَةُ دُرُوسٍ (سه درس)

انواع فعل: گروه اول (ثلاثي مجرد) گروه دوم (ثلاثي مزید)



گروه اول (ثلاثي مجرد): فعل‌هایی هستند که به هیچ بابی نرفته‌اند و به همین دلیل ماضی «سوم شخص مفرد» (مذکر) آن‌ها فقط سه

حرف دارد؛ مانند: خَرَجَ - عَرَفَ - نَظَرَ.

گروه دوم (ثلاثي مزید): فعل‌هایی هستند که به یکی از باب‌ها رفته‌اند و به همین دلیل ماضی «سوم شخص مفرد» آن‌ها بیشتر از سه

حرف دارد؛ مانند: اِسْتَخْرَجَ - اِغْتَرَفَ - اِنْتَهَرَ.

برای یادآوری وزن‌های باب‌های هشت‌گانه به قواعد درس سوم و چهارم مراجعه کنید. فراموش نکنیم که هدف از به‌کارگیری باب‌ها، ایجاد معانی جدید در فعل‌ها است.

امر از باب‌ها (نکته جالب): هر بابی که ماضی سوم شخص مفردش با «ا» شروع شود امرش نیز دقیقاً با همان «ا» شروع می‌شود، ضمناً در چهار

باب، امر با «ا» شروع نمی‌شود (❌)

و تنها بابی که امرش با «أ» شروع می‌شود، باب افعال است (*).

باب استفعال	ماضی ← استَفْعَلْ	امر ← اسْتَغْفِرْ	باب تفاعل	ماضی ← تَفَاعَلَ	امر ← تَفَاعَلْ
باب إفعال	ماضی ← إفْتَعَلَ	امر ← إفْتَعِلْ	باب تفعیل	ماضی ← فَعَّلْ	امر ← فَعَّلْ
باب إنفعال	ماضی ← انْفَعَلَ	امر ← انْفَعِلْ	باب مُفاعلة	ماضی ← فَاعَلَ	امر ← فَاعِلْ
* باب إفعال	ماضی ← أَفْعَلَ	امر ← أَفْعِلْ	باب تَفَعَّلْ	ماضی ← تَفَعَّلْ	امر ← تَفَعَّلْ

جمله فعلیه و اسمیه

جمله اسمیه:

مبتدا + خبر

جمله‌ای را که با اسم شروع شود، «اسمیه» می‌نامیم.
مثال: الطَّفْلُ نَائِمٌ: کودک خوابیده است. (جمله اسمیه)
 مبتدا خبر

جمله فعلیه:

فعل + فاعل + [گاهی مفعول]

جمله‌ای را که با فعل شروع شود، «فعلیه» می‌نامیم.
مثال: جاءَ الطَّفَلُ: کودک آمد. (جمله فعلیه)
 فعل فاعل
مثال: أَكَلَ الطَّفَلُ الطَّعَامَ: کودک، غذا را خورد. (جمله فعلیه)
 فعل فاعل مفعول

نکته: بعد از نقش‌های اصلی (مبتدا - خبر - فاعل - مفعول)، گاهی ممکن است «مُضَافٌ الیه» یا «صِفَت» در جمله به کار رفته باشد؛ مانند:
 أَكَلَ الطَّفَلُ الضَّغِيرُ طَعَامَ الوَالِدِ: کودک کوچک، غذای پدر را خورد. / الطَّفَلُ الجَمِيلُ نَائِمٌ: کودک زیبا، خوابیده است.
 فعل فاعل صفت مفعول مُضاف الیه
 مبتدا صفت خبر

فعل معلوم و فعل مجهول

فعل معلوم: فعلی است که فاعلش مشخص است. / **فعل مجهول:** فعلی است که فاعلش مشخص نیست.

تکرم: در عربی، برای مجهول کردن فعل‌ها باید حرکات آن‌ها را به ترتیب زیر تغییر دهیم:

ماضی مجهول ← ءَ -	مضارع مجهول ← ءَ -
به تمام حروف حرکت‌دار قبل از حرف دوم ریشه ـ می‌دهیم / به حرف اول ءَ می‌دهیم / به حرف دوم ریشه ـ می‌دهیم.	به حرف اول ءَ می‌دهیم / به حرف دوم ریشه ـ می‌دهیم.
قَتَلَ: کشت مجهول ← قَتِلَ: کشته شد	يُقْتَلُ: می‌کشد مجهول ← يُقْتَلُ: کشته می‌شود
إِسْتَقْبَلَ: استقبال کرد مجهول ← أَسْتَقْبِلُ: استقبال شد، مورد استقبال قرار گرفت	يَسْتَقْبِلُ: استقبال می‌کند مجهول ← يُسْتَقْبَلُ: استقبال می‌شود، مورد استقبال قرار می‌گیرد.

تکرم: در ترجمه فعل‌های مجهول معمولاً از مشتقات «شدن» (شد / می‌شود / خواهد شد) استفاده می‌کنیم.

جاز و مجرور به حرف جز

حرف جز و مجرور به حرف جز: به حروفی مانند «مِنْ، فِي، إِلَى، عَلَى، بِ، لَ، عَنْ، كَ» در عربی، «حرف جز» یا «جاژ» می‌گوییم و به اسمی که بعد از حروف جز قرار می‌گیرد «مجرور به حرف جز» می‌گوییم که معمولاً یکی از این علامت‌ها را می‌گیرد « / ، - يَنْ / مِنْ ». به حرف جز و اسم پس از آن به صورت یک جا «جاژ و مجرور» گفته می‌شود؛ مانند: فِي الْكِتَابِ / فِي كِتَابٍ / مِنْهُ / بِكَ و ...
بررسی معانی حروف جز:

فِي: در	عَلَى (عَلَى): بر / روی	بِ: به وسیله / در	لِ: برای / از آن (مال) / داشتن
ك: مانند	مِنْ: از / از جنس	عَنْ: از / درباره	إِلَى (إِلَى): به / به سوی / تا

نون وقایه: به کار بردن ضمیر «ی» در انتهای فعل نیاز به یک حرف «ن» دارد که به آن «نون وقایه» می‌گویند. این نون میان فعل و ضمیر «ی» قرار می‌گیرد و نقشی «واسطه» دارد. در چنین حالتی این ضمیر «ی» نقش مفعولی داشته و در ترجمه به صورت «به من / مرا [و گاهی از من]» ترجمه می‌شود:

فعل + ی ← فعل + ن + ی **مثال:** يَعْرِفُ + ی ← يَعْرِفُنِي: مرا می‌شناسد.

۴۸- ضیاء:	روشنایی
۴۹- عَفْوًا:	بخشید
۵۰- عَيْن:	۱- چشم ۲- چشمه (عَيْنُ رامیان: چشمهٔ رامیان)
۵۱- غَالِيَةً:	گران (غالی:)
۵۲- عُصُون:	شاخه‌ها (مفرد: عُصْن)
۵۳- عَيْم:	ابر
۵۴- ف:	پس، بنابراین، آن‌گاه
۵۵- فَائِز:	بَرَنده
۵۶- فَرَاغ:	جای خالی
۵۷- فُسْتَان:	پیراهن زنانه
۵۸- فِي أَمَانٍ:	خداحافظ [خدا نگهدار، در پناه خدا]
۵۹- قَاعَةً:	سالن
۶۰- قَبِيح:	زشت
۶۱- قَرِيب:	نزدیک
۶۲- قَصِير:	کوتاه
۶۳- قَل:	بگو
۶۴- كَ ...:	مثل ...، مانند ...
۶۵- كَانُوا:	می‌نوشتند (معادل ماضی استمراری)
۶۶- كَوَكِب:	ستاره، ستاره (جمع: كَوَاكِب)
۶۷- كَيْفَ حَالُكَ؟:	حالت چه‌طور است؟
۶۸- لَا تَكْتَب:	ننویس (نهی)
۶۹- لِكِنَّ:	ولی، اما
۷۰- مَا اسْمُكَ:	اسم شریف شما چیست؟ الكَرِيم؟:

۲۴- أَلْتِي:	۱- کسی که ۲- که
۲۵- جَذْوَةً:	پارهٔ آتش
۲۶- حَبَّة:	دانه، یک دانه
۲۷- حَبِيب:	دوست
۲۸- حَتَّى الْآنَ:	تاکنون، تا به حال
۲۹- جَوَار:	گفت‌وگو
۳۰- حَوْلَ ...:	۱- پیرامون ...، اطراف ...، دور ... ۲- دربارهٔ
۳۱- حَلَق:	آفرینش
۳۲- دُزْر:	مرواریدها (مفرد: دُزْر)
۳۳- ذَات ...:	دارای ...
۳۴- ذَاكَ:	آن
۳۵- ذُو ...:	دارای ...
۳۶- أَلَّذِي:	۱- کسی که ۲- که
۳۷- رَاسِب:	مردود، بازنده
۳۸- رَحِيصَةً:	ارزان (رحیص:)
۳۹- رَقَدَ:	خوابید
۴۰- زَان:	زینت داد
۴۱- زُجَاجَتَان:	دو شیشه (مفرد: زُجَاجَة)
۴۲- شَاطِي:	ساحل
۴۳- شَرَاء:	خرید، خریدن
۴۴- شَرَزَةً:	آخگر (پارهٔ آتش)
۴۵- صَارَتْ:	شد، گردید (مذکر صاز)
۴۶- صَالِحُونَ:	درستکاران، شایستگان (مفرد صالح)
۴۷- صَخ:	بگذار، قرار بده

۱- أَبْحَاث:	تحقیقات (مفرد: بَحْث)
۲- اِبْحَث:	جست‌وجو کن، بگرد (اِبْحَثْ عَن ... : به دنبال ... بگرد)
۳- أُحِبُّ:	دوست دارم
۴- أَحْجَار:	سنگ‌ها (مفرد: حَجَر)
۵- أَحَدٌ ...:	(در حالت مضاف‌بودن) یکی از ...
۶- اِعْلَمُوا:	بدانید
۷- اِلَى اللِّقَاءِ:	به امید دیدار
۸- اَنْ أَسَافِرَ:	که سفر کنم
۹- اِنْ شَاءَ اللهُ:	اگر خدا بخواهد
۱۰- اَنَا بِخَيْرٍ:	(در پاسخ احوال‌پرسی) من خوبم
۱۱- اَنْجُم:	ستارگان (مفرد: نَجْم)
۱۲- اَنْزَلَ:	نازل کرد، فرورستاد
۱۳- اَنْظُرْ لِي:	به ... نگاه کن (بنگر) اِلَى ...:
۱۴- اَنْعَم:	نعمت‌ها (مفرد: نِعْمَة)
۱۵- اَوْجَدَ:	پدید آوزد
۱۶- بِ:	به وسیلهٔ، با
۱۷- بِالْغَةِ:	کامل (مذکر: بالغ)
۱۸- بَطَارِيَّة:	باتری
۱۹- بَيْع:	فروش، فروختن
۲۰- تَالِيَةً (تالی):	زیر (الكَلِمَات التَّالِيَةِ: واژگان زیر)
۲۱- تَرْجِم:	ترجمه کن
۲۲- تُسَافِرُ:	سفر می‌کند
۲۳- تَعَارَف:	آشنایی

۷۱- مَتْرَاكِم:	فشرده، متراکم
۷۲- مُجْتَهِد:	کوشا، تلاشگر
۷۳- مُجِد:	کوشا، تلاشگر
۷۴- مُحَافِظَة:	استان
۷۵- مَخْلُوقَات:	آفریدگان
۷۶- مُسْتَعْرَة:	فروزان
۷۷- مُسْتَعِينًا بِ:	با استفاده از
۷۸- مَسْرُور:	شاد، خوشحال
۷۹- مَسْمُوح:	مُجاز
۸۰- مَطَار:	فرودگاه
۸۱- مَخِ الْأَسْف:	متأسفانه
۸۲- مُقْتَدِرَة:	توانا، قوی
۸۳- مَلَابِس:	لباس‌ها (مفرد: مَلْبَس)
۸۴- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	اهلِ کجایی؟
۸۵- مَنْ ذَا: اَيْنَ كَيْسَتْ؟	این کیست؟
۸۶- مُنْتَشِرَة:	پراکنده
۸۷- مُنْفَصِلَة عَنْ ...:	جداشده از ...
۸۸- مُنْهَمَرَة:	ریزان
۸۹- نَاجِح:	موفق، پیروز
۹۰- نَص:	متن
۹۱- نَفِصَة:	تر و تازه
۹۲- نَمَتْ:	رشد کرد
۹۳- وَ كَيْفَ أَنْتَ؟	حال تو / شما چه‌طور است؟
۹۴- وَاجِبَات:	تکالیف (مفرد: واجب)

۹۵- وادي:	دَرّه
۹۶- هُوَ:	۱- او ۲- همان (ذَلِكَ هُوَ اللهُ: آن همان خداست.)
۹۷- يَتَفَكَّرُونَ:	می‌اندیشند، تفکر می‌کنند
۹۸- يُخْرِجُ:	در می‌آورد
۹۹- يَدْرُ:	می‌چرخد
۱۰۰- يَنْزِلُ:	(باران، برف) می‌بارد
درس دوم	
۱۰۱- الإِثْنَيْنِ:	دو [نفر]
۱۰۲- أُجْرِي:	جاری کرد (مضارع: يُجْرِي)
۱۰۳- أَخْلَصَ:	مخلص شد، یکرنگ شد
۱۰۴- أَرْبَعِينَ:	چهل
۱۰۵- إِسْتِغْفَار:	آمرزش‌خواستن
۱۰۶- أَقْدَامُنَا:	گام‌هایمان
۱۰۷- أَلْف:	هزار (أَلْفَ سَنَةٍ: هزار سال)
۱۰۸- أَمْتَار:	مترها «جمع متر» (سِنَةٌ أَمْتَارٌ: شش متر)
۱۰۹- أَمْسَكَ:	به دست گرفت و نگه داشت
۱۱۰- أَنْزَلَ:	نازل کرد، فرورستاد (مضارع: يُنْزِلُ)
۱۱۱- أَنْصُرُ:	یاری بده (أَنْصُرُنَا: ما را یاری بده)
۱۱۲- آب:	بده (آبِنَا: به ما بده)
۱۱۳- أَنُوَا:	بدهید (أَتُوا الزَّكَاةَ: زکات بدهید)
۱۱۴- بِلَاد:	کشور
۱۱۵- بَنِي:	ساخت، بنا کرد
۱۱۶- تَرْجِمُ:	ترجمه کن

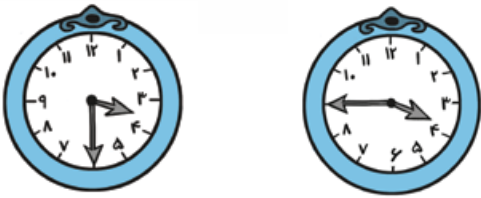
۱۱۷- تَرَكَ:	به جا گذاشت
۱۱۸- تَسَعَةً وَ تِسْعِينَ:	نود و نه
۱۱۹- ثَامِنَ أَيْمَانِنَا:	هشتمین امام ما
۱۲۰- ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ:	هشتاد درصد
۱۲۱- جَاءَ بِ:	آورد (جاء: آمد)
۱۲۲- جِدًّا:	بسیار، خیلی
۱۲۳- جُزْءًا وَاجِدًا:	یک بخش، یک قسمت
۱۲۴- جَمِيعًا:	همگی، همه با هم
۱۲۵- جِئْتُ:	آمدی
۱۲۶- حَضَرْتُكَ:	جنابعالی
۱۲۷- حَلَمُ:	بردباری، شکیبایی
۱۲۸- حَلَوَةٌ:	تنهایی، خلوت
۱۲۹- خَمْسِينَ عَامًا:	پنجاه سال
۱۳۰- خَمْسِينَ مَرَّةً:	پنجاه بار، پنجاه برابر
۱۳۱- خَيْرٌ مِنْ ...:	بهبتر از ...
۱۳۲- ذَهَبِيَّةً:	طلایی (زَرِين)
۱۳۳- رَبُّ:	پروردگارا! ای پروردگار من!
۱۳۴- زَائِدٌ ...:	به علاوه ...
۱۳۵- سَائِح:	گردشگر
۱۳۶- سَبْعَةَ أَبْوَابٍ:	هفت در
۱۳۷- سِتِّينَ مِسْكِينًا:	شصت فقیر
۱۳۸- سَمَاع:	شنیدن

ردیف	امتحان شماره ۱	رشته ریاضی و تجربی	عربی دهم	نمونه امتحان نیم سال اول								
نمره	kheilisabz.com	مدت امتحان: ۷۵ دقیقه										
۱	۰/۵			۱. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا. الف) رسالة الإسلام قائمة على اجتناب الإساءة: ب) من ذلك الجزء يتراحم الخلق:								
۲	۰/۵			۲. عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) زخبيصة - رَقَدَ - قامَ - نهاية - غالية - نام = ≠								
۳	۰/۵			۳. أَكْثَبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمَعَ الْكَلِمَتَيْنِ. الف) رجال: ب) فلم:								
۴	۰/۵			۴. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. الف) البحر <input type="checkbox"/> المحيط <input type="checkbox"/> ب) الأمطار <input type="checkbox"/> البحار <input type="checkbox"/> النهر <input type="checkbox"/> الشجر <input type="checkbox"/> الألوان <input type="checkbox"/> الثلوج <input type="checkbox"/>								
۵	۵			۵. تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. الف) وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنَشَّرَةِ (۰/۷۵) ب) يَحْدُثُ إِعْصَازٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ. (۰/۷۵) ج) حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِلتَّعْرُفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ. (۱) د) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشِرُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَابُشًا سَلْمِيًّا مَعَ اخْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ. (۱) هـ) النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا. (۰/۵) و) هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَحْدَمَتْ نَقُودًا وَرَقِيَّةً. (۱)								
۶	۰/۵			۶. اِنتَجِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ. أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ <input type="checkbox"/> الف) نیکی کرد همان گونه که خداوند به تو نیکی کرد. <input type="checkbox"/> ب) نیکی کن همان گونه که خداوند به تو نیکی کرد.								
۷	۱			۷. كَمَلِ الْفَرَاغَ فِي التَّرْجِمَةِ. الف) ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا﴾: پروردگارا صبر عطا کن و استوار کن. ب) إِنَّ طَعَامَ الْوَالِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ: قطعاً غذای یک نفر								
۸	۱			۸. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ. <table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <tr> <td>تَكَلَّمَ</td> <td>يُنْقَطِعُ</td> <td>اِسْتَعْفِزُ</td> <td>اِعْتِذَارٌ</td> </tr> <tr> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> </table>	تَكَلَّمَ	يُنْقَطِعُ	اِسْتَعْفِزُ	اِعْتِذَارٌ
تَكَلَّمَ	يُنْقَطِعُ	اِسْتَعْفِزُ	اِعْتِذَارٌ									
.....									
۹	۰/۷۵			۹. أَكْثَبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةِ. معروف: تعارف: معارفه:								
۱۰	۲			۱۰. تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ وَ اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا. الف) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ (۰/۷۵) ب) ﴿وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ﴾ (۱/۲۵)								
۱۱	۰/۵			۱۱. أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجِسَابِيَّةَ بِالْأَرْقَامِ. الف) خَمْسَةٌ فِي أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي عَشْرِينَ. ب) سِتَّةٌ وَ سِتِّينَ نَاقِصٌ سَبْعَةٍ يُسَاوِي تِسْعَةً وَ خَمْسِينَ.								

١٢	الف) اُرْسِمِ عَقْرَبَتِي السَّاعَةِ. ب) اَكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ.										
١٣	صَغِّ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً. الف) سَوْفَ صَدِيقِي مِنَ الْمَدْرَسَةِ السَّنَةِ الْقَادِمَةِ. ب) إِلَهِي، قَدْ زَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَ أَنْتَ زَجَائِي.	<input type="checkbox"/> تَخْرُجُ <input type="checkbox"/> يَخْرُجُ <input type="checkbox"/> يَنْخَرِجُ <input type="checkbox"/> انْقَطَعْتُ	الرَّابِعَةَ الْإِزْبَعاً								
١٤	عَيِّنِ الْجَوَابَ الْمَصحِحَ. الف) الأَمْرُ مِنْ «تَحَذَّرُ» ب) الْمُضَارَعُ مِنْ «اسْتَمَعَ»	<input type="checkbox"/> حَذَّرُ <input type="checkbox"/> يَسْمَعُ <input type="checkbox"/> أَحَذَّرُ <input type="checkbox"/> يَسْتَمِعُ	<input type="checkbox"/> حَذَّرُ <input type="checkbox"/> يَسْمَعُ								
١٥	صَغِّ فِي الْمَرْتَبِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) ١- الأعداء ٢- المحيط ٣- العمل ٤- القمر ٥- الينبوع ٦- الدرر	<input type="checkbox"/> عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ. <input type="checkbox"/> يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. <input type="checkbox"/> مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ. <input type="checkbox"/> أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيراً.									
١٦	اَكْتُبِ فِي الْفَرَاغِ عَدَداً تَرْتِيباً مُنَاسِباً. الف) الْيَوْمَ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ. ب) الْفَصْلُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الشِّتَاءِ.										
١٧	اقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ. ظَاهِرَةٌ مَطَرِ السَّمَكِ تَحْدُثُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحياناً فِي الْهِنْدُورَاسِ وَ هِيَ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ يَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ، ثُمَّ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ. الف) مَا هُوَ سَبَبُ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟ (٥/٥) ب) كَمْ مَرَّةً تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ فِي السَّنَةِ؟ (٥/٥) ج) اَكْتُبِ الْمَصْدَرَ مِنْ «تَتَساقَطُ» (٥/٢٥)										
١٨	صَغِّ هَذِهِ التَّرَاكيبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَانِ) هَذَانِ الْفَضْلَانِ - هَذِهِ جَائِزَةٌ - إِنَّكُمْ صَادِقُونَ - هُوَلاءِ كَاتِبَاتٌ - هَاتَانِ الشَّجَرَتَانِ - هُوَلاءِ أَصْدِقَاءُ	<table border="1" data-bbox="489 1612 1094 1705"> <tr> <td>مثنى مؤنث</td> <td>جمع مكسر</td> <td>جمع مذكر سالم</td> <td>مفرد مؤنث</td> </tr> <tr> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> </table>	مثنى مؤنث	جمع مكسر	جمع مذكر سالم	مفرد مؤنث	
مثنى مؤنث	جمع مكسر	جمع مذكر سالم	مفرد مؤنث								
.....								
١٩	أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ فِي الْجَوَارِ. كَمْ عُمْرُكَ؟										
٢٠	رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اَكْتُبِ سُؤْالاً وَ جَوَاباً صَحِيحاً. مِنْ - أَيَّ - إِيرَانِ - بَلَدٍ - أَنَا - أَنْتَ - مِنْ -؟										
٢٠	جمع نمرات										

پاسخ نامه تشریحی امتحان شماره (۱)

(ب) ساعت را با اعداد بنویس: **الثالثة وَ النصف**



۱۳- در جای خالی فعل مناسبی بگذار.

(الف) **يَتَخَرَّجُ** «سَوَفَ» فقط به همراه فعل مضارع می آید، «تَخَرَّجَ» فعل ماضی است. / (ب) **انْقَطَعَ** «انْقَطَعْتُ» بریده شدم» برای این جمله نادرست است. / ای خدای من، امیدم از خلق بُریده شد.

۱۴- پاسخ درست را مشخص کن.

(الف) امر از «تَحَذَّرُ»: حَذَّرْ (از باب تفعیل) / (ب) مضارع از «إِسْتَمِعَ»: يَسْتَمِعُ (از باب افتعال)

۱۵- در مرتب، عدد مناسب را بگذار. (دو کلمه، اضافی است.)

«الأعداء» و «القمر» زائد هستند.

به ترتیب:

(۵) **الينبوع** (چشمه، جوی پرآب) چشمه آب و رود پرآب است.

(۳) **العميل** (مزدور) به نفع دشمن کار می کند.

(۶) **الدّزّر** (مروریدها) از سنگ‌های زیبا و گران قیمت هستند.

(۲) **المحيط** (اقیانوس) بسیار بزرگ تر از دریا است.

۱۶- در جای خالی عدد ترتیبی مناسبی بنویس.

(الف) **السادس**: ششم (روز ششم از روزهای هفته، پنجشنبه است.)

(ب) **الزايغ**: چهارم (فصل چهارم از سال ایرانی، فصل زمستان است.)

۱۷- متن زیر را بخوان، سپس به سؤالات پاسخ بده.

پدیده باران ماهی گاهی اوقات دو بار در سال در هندوراس اتفاق می افتد و آن، گردباد شدیدی است که با قدرت، ماهی‌ها را به آسمان می کشد و آن‌ها را به جای دوری می برد، سپس پی در پی روی زمین می افتند.

(الف) علت این پدیده چیست؟ **سَبَبُهَا إِصْصَارٌ شَدِيدٌ يَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ**

إِلَى السَّمَاءِ / (ب) این پدیده چند بار در سال اتفاق می افتد؟ **تَحَدَّثُ**

مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحياناً / (ج) مصدر را از «يَتَسَاقَطُ» بنویس: **تَسَاقَطَ**

۱۸- این ترکیب‌ها را در جای مناسبشان بگذار. (دو کلمه، اضافی است.)

مثنی مؤنث	جمع مکسر	جمع مذکر سالم	مفرد مؤنث
هاتان الشَّجَرَتَانِ	هؤلاء أصدقاء	إنكم صادقون	هذه جائزة

۱۹- به سؤال در گفت‌وگو پاسخ بده.

چند سال داری؟ **عُمري سِتَّةٌ عَشْرَ عاماً**.

۲۰- کلمات را مرتب کن و یک سؤال و جواب درست بنویس.

– منْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتَ؟ – أنا مِنْ إِيْران.

۱- کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، ترجمه کن.

(الف) بدی کردن / (ب) به یکدیگر مهربانی می کنند.

۲- کلمات مترادف و متضاد را مشخص کن. (دو کلمه، اضافی است.)

رَقَدَ (خوابید) = **نامَ** (خوابید)

رَخِيصَة (ارزان) ≠ **غَالِيَة** (گران) (دو کلمه اضافی: «قام»: برخاست و «نهاية»: پایان)

۳- مفرد یا جمع کلمات (دو کلمه) را بنویس.

رِجال ← **رَجُل** (مفرد) **فَلَم** ← **أفلام** (جمع)

۴- کلمه بیگانه و ناهماهنگ در معنا را مشخص کن.

(الف) **الشَّجَر** (درخت) / سه واژه دیگر «**البَحْر**: دریا»، «**المُحيط**: اقیانوس» و «**النَّهْر**: رود، جویبار» هر سه آب دارند و با هم ارتباط معنایی دارند.

(ب) **الألوان** (رنگ‌ها) / سه واژه دیگر «**الأمطار**: باران‌ها»، «**البحار**: دریاها» و «**الثَّلوج**: برف‌ها، یخ‌ها» با هم ارتباط معنایی دارند.

۵- عبارتهای زیر را به فارسی ترجمه کن.

(الف) و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست. (زینت بخشید.) / (ب) گردباد شدیدی رُخ می دهد و ماهی‌ها را به سمت آسمان می کشد. / (ج) دانشمندان تلاش کردند راز آن پدیده را بشناسند، پس گروهی را برای شناختن ماهی‌ها فرستادند. / (د) بر همه مردم واجب است که هر کدام با حفظ عقایدشان با یکدیگر، همزیستی مسالمت‌آمیزی کنند. (با یکدیگر به صورت مسالمت‌آمیز همزیستی کنند.) / (ه) مردم خواب‌اند و هرگاه بمیرند، بیدار می شوند. / (و) آیا می دانی که چین اولین کشوری است در دنیا که پول کاغذی (اسکناس) به کار برده است.

۶- پاسخ درست را در ترجمه انتخاب کن.

جواب صحیح ← «ب» «أَحْسِنَ فعل امر است و أَحْسَنَ فعل ماضی»

۷- جای خالی را در ترجمه کامل کن.

(الف) بر ما - گام‌های ما را (ب) برای دو نفر بس است.

۸- کلمات زیر را ترجمه کن.

سخن گفت / قطع می شود / آموزش بخواه / پوزش خواستن.

۹- وزن کلمات و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.

مَعْرُوف: مفعول / **تَعَارَفَ**: تفاعل / **مُعَارَفَة**: مُفَاعَلَة / حروف اصلی: ع ر ف

۱۰- آیات زیر را ترجمه کن، سپس نوع فعل‌ها را در آن بنویس.

(الف) هر کس [یک] نیکی بیاورد، پس برای او ده برابر آن است.

جاء: فعل ماضی

(ب) بر آن چه می گویند شکیبیا باش و آن‌ها را ترک کن (از آن‌ها دوری گزین).

إِضْبِرْ - أَهْجِرْ: فعل امر **يَقُولونَ**: فعل مضارع

۱۱- عملیات ریاضی را به عدد بنویس.

(الف) $۲۰ = ۵ \times ۴$ / (ب) $۶۶ - ۷ = ۵۹$

۱۲- (الف) عقربه‌های (دو عقربه) ساعت را بکش. یک ربع مانده به چهار

پاسخ نامه تشریحی امتحان شماره (۲)

۱- کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، ترجمه کن.

(الف) مزدور (ب) چشمه‌ها

۲- مترادف و متضاد را مشخص کن. (دو کلمه، اضافی است.)

جبال ← **حَيْل** (مفرد)

تَلْج ← **تُلُوج** (جمع)

حَفَلَة (جشن) = **مَهْرَجَان** (جشنواره) / **يَمِين** (راست) ≠ **يَسَار** (چپ)